



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷، صفحات ۱۵۸-۱۴۱

اولویت‌بندی مسائل کلیدی در نظام حکمرانی بخش دولتی و غیردولتی ایران در حوزه خیریه‌ها

سعید مسعودی پور^۱

دکتری مدیریت بازاریابی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

محسن باقری نصرآبادی

دانشجوی دکتری معارف اسلامی و مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق (ع)

(تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۵)

چکیده

یکی از عناصر مهم در حکمرانی خوب، افزایش مشارکت‌های مردمی در اداره امور جامعه است. موضوع کمک به محرومین و فعالیت‌های خیرخواهانه از جمله این عرصه‌هاست. اهمیت این موضوع تا قدری است که می‌توان ادعا کرد حل مسئله فقر بدون مشارکت مردمی ممکن نیست. از سوی دیگر، دولت نمی‌تواند نسبت به مسئولیت خود در زمینه‌سازی و تسهیل‌گری برای فعالیت خیریه‌ها بی‌تفاوت باشد. عدم تنظیم‌گری رابطه بین بخش دولتی و بخش غیردولتی در موضوع خیریه‌ها یکی از مسائل کشور محسوب می‌شود. در این پژوهش نخست از طریق مصاحبه با تعدادی از مدیران کمیته امداد امام خمینی (ره) و نیز مسئولین خیریه‌ها، از طریق تحلیل مضمون آسیب‌های اصلی در تنظیم رابطه شناسایی شدند. این آسیب‌ها شامل ۳۱ موضوع و در ۹ دسته اصلی مورد طبقه‌بندی قرار گرفتند. سپس با استفاده از تکنیک تحلیل سلسله مراتبی اقدام به اولویت‌بندی مسائل شد.

واژگان کلیدی: خیریه، سازمان‌های غیرانتفاعی، بخش غیردولتی، تنظیم‌گری، حکمرانی.

¹ نویسنده مسئول Email: masoodipoor@isu.ac.ir

مقدمه

یکی از مسائل مهمی که نباید در جامعه اسلامی قابل تحمل باشد، وجود فقر و محرومیت است. رفع فقر در وهله اول در گرو استقرار عدالت است؛ همچنان که امام معصوم فرمود «لو عدل فی الناس لاستغنوا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۴۲). اما به علت دشواری تحقق نظام عادلانه، در مقام درمان و کاهش شدت فقر باید راهکارهایی اندیشید. یکی از مکانیسم‌هایی که شارع مقدس برای این موضوع قرار داده است، بازتوزیع درآمدهای ناشی از انفاق‌های واجب و مستحب است. کارآمدی تصدی‌گری دولتی در موضوع رفع فقر، زیر علامت سؤال بزرگی قرار گرفته و تجربیات سایر کشورهای دنیا نیز در این حوزه حاکی از مشارکت فعالانه مردم و فاصله گرفتن دولت از نقش تصدی‌گری خود است. البته باید توجه داشت که مشارکت عمومی در موضوع رفع محرومیت در قالب سازمان‌های خیریه، بدون تنظیم‌گری و وجود نظام هدایتی و کنترلی کژکارکردهایی را با خود به همراه دارد. بررسی‌های انجام شده در این خصوص نشان می‌دهد که همچنان در خصوص ابعاد و مختصات الگوی تنظیم‌گری رابطه بین دولتی و غیردولتی در موضوع خیریه‌ها در کشور، پژوهش قابل اتکایی انجام نشده است و در این خصوص ضعف نظری به شدت احساس می‌شود. نوشتار حاضر به عنوان یکی از گام‌های طراحی الگوی حکمرانی در موضوع خیریه‌ها، در تلاش است تا آسیب‌ها و موضوعات مهم در حوزه تنظیم‌گری رابطه بین بخش دولتی و غیردولتی را شناسایی و اولویت‌بندی کند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای برای طراحی و تعیین جایگاه هر یک بخش‌های دولتی و غیردولتی و نیز دستگاه‌های مربوطه در این موضوع، شناخته شود.

ادبیات موضوع

تحولات در عرصه جایگاه دولت و ورود بخش غیرانتفاعی

یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی، دخالت دولت و نقش آن در اقتصاد است. در زمان کلاسیک‌ها اعتقاد عمومی بر آن بود که دولت نباید در اقتصاد دخالت داشته باشد و وظیفه دولت را منحصر به حفظ امنیت اجتماعی می‌دانستند. بر این اساس تا اواخر قرن ۱۹ دولت‌ها نقش رو به گسترشی در اقتصاد نداشتند. اما قرن بیستم را می‌توان قرن توسعه نظام‌های دولت‌مدار دانست. بحران بزرگ دهه ۱۹۳۰، یکی از عوامل مهم استقبال از اندیشه‌های دولت‌گرایی کینز بود. در این دوره لزوم دخالت دولت به عنوان هدایت‌کننده فعالیت‌های اقتصادی احساس می‌شد و تفکر حاکم این بود که دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی بدون دخالت دولت ممکن نیست. با شروع دهه ۱۹۸۰ مجدداً گرایش‌هایی به سمت کاهش نقش دولت به

وجود آمد(سامتی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸۴). در میانه قرن ۱۹ در برخی کشورها از جمله انگلستان کمیته خیریه‌ها ایجاد شد که بر اساس آن برخی معافیت‌های مالیاتی به آن‌ها اختصاص داده شد. در این دوره بخش داوطلبانه به مرور شناخته شد. این فرایند تا جایی پیش رفت که دولت، بخش داوطلبانه را مسوول اصلی خدمات اجتماعی به حساب آورد. در زمانی که دولت از جهت تأمین مالی و شکست‌های مختلف دچار مشکل شد، بازهم این بخش داوطلبانه بود که به داد دولت رسید. تا جایی که نیاز به همکاری بین این دو بخش جدی شد (Anheier, 2005: 29-32).

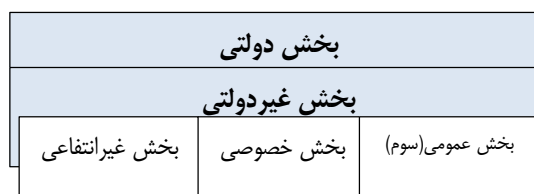
مفهوم حکمرانی

حکمرانی به خاطر عدم اعتماد به دولت شکل گرفته است. چرا که بسیاری از مردم از توانایی دولت برای رفع مشکلات اجتماعی ناامید شده‌اند و این امر موجب تجدید نظر در تئوری‌های سنتی مدیریت دولتی شد. بر این اساس باید گفت حکمرانی واژه‌ای قدیمی است که اخیراً احیاء شده و از مهم‌ترین و جذاب‌ترین مفاهیم در علوم اجتماعی، به ویژه مدیریت دولتی شده است (علیزاده و الوانی، ۱۳۸۶: ۲). همچون سایر مفاهیم علوم اجتماعی، تعاریف متعددی از مفهوم حکمرانی ارائه شده است. اعمال قدرت اقتصادی، اداری و سیاسی در ابعاد اجرایی، قانونگذاری و قضایی برای مدیریت امور عمومی کشور در همه سطوح، شامل سازوکارها، فرایندها و نهادهایی که از طریق آن شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد، منافع خود را ابراز کنند و از حقوق قانونی خود، استفاده و تعهدات و تکالیف خود را ایفا و اختلافات خود را با میانجی‌گری حل و فصل کنند، حکمرانی است (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷: ۱۰۹). به تعبیر دیگر می‌توان حکمرانی را مفهوم فرایند(هایی) دانست که سازمان‌ها و نهادهای عمومی و حکومتی امور عمومی را به انجام می‌رسانند، منابع عمومی را اداره می‌کنند و تحقق حقوق بشر را تضمین می‌نمایند (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۵۹).

سازمان‌های غیردولتی

بررسی تعاریف مختلف از سازمان‌های غیردولتی، نشان‌گر این است که تعاریف مختلفی از سازمان‌ها وجود دارند که حتی بعضاً متعارض می‌نمایند. با این حال می‌توان به قدر متیقنی از تعاریف دست یافت که عناصر آن عبارتند از: غیرحاکمیتی، غیرانتفاعی و عام‌المنفعه بودن. مهم‌ترین رکن در تبیین ماهیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی نیز با توجه به عناصر مذکور سازمان‌ها، غیردولتی بودن آن‌ها و فعالیت غیرانتفاعی آن‌هاست (حقیقی، ۱۳۸۸: ۴۱۷). بخش سوم پاسخی به مسائل عمومی است در شرایطی که اولویت‌ها و تقاضاها نامتجانس است. آن‌ها در این راستا گام برمی‌دارند که نارسایی‌های دولتی را جبران کرده و پوشش دهند. عدم وابستگی عملیاتی این دو بخش باعث شده که هیچ تمایلی به همکاری وجود نداشته باشد. در خصوص

واگذاری برخی از خدمات از سوی دولت به بخش غیرانتفاعی اما و اگرهایی وجود دارد که موافقان و مخالفان خود را داراست. گسترش بخش سوم یک تحلی در مقابل این ادعاست که توسعه دولت، زمین بازی غیردولتی‌ها را حذف می‌کند. در این جا لازم است به تمایز بخش دولتی از غیردولتی و انواع آن پرداخته شود. به طور کلی هر نهاد یا سازمان خارج از مجموع دستگاه‌های دولت، بخش غیردولتی نامیده می‌شود (شکل ۱).



شکل ۱- تفاوت بخش دولتی و بخش غیردولتی.

الف) بخش دولتی: این بخش شامل دستگاه‌های دولتی و سیاستگذار است که خط‌مشی‌های اصلی کشور را در حوزه‌های مختلف تعیین می‌کنند. امروزه با ورود جریان‌های نوین مدیریتی، نقشی که برای این بخش در نظر گرفته می‌شود، خارج از تصدی‌گری است. در واقع وظیفه جهت‌دهی، تسهیل‌گری و تنظیم‌گری به عهده دولت است.

ب) بخش غیردولتی: این بخش انواع خاصی دارد و البته بعضاً این موارد به جای یکدیگر استفاده می‌شود. به طور مختصر به هریک پرداخته می‌شود:

۱. بخش خصوصی: این بخش در قالب شرکت خصوصی به ارائه کالا و خدمات با هدف کسب سود می‌پردازد و قسمتی از نیازهای جامعه را مرتفع می‌کند.
۲. بخش عمومی (یا بخش سوم): این بخش کالاها یا خدمات عمومی را ارائه می‌کند و ممکن است سود حداقلی هم داشته باشد؛ ولی هدف آن کسب سود نیست، مثل سازمان هلال احمر. این بخش از بخش دولتی مستقل است؛ هرچند ممکن است قسمتی از بودجه آن دولتی باشد.
۳. بخش غیرانتفاعی: این بخش با هدف ارائه کالا یا خدمات اجتماعی به دنبال آن هستند که نیازی از جامعه را برطرف کنند و هیچ‌گونه وابستگی به بخش دولتی ندارند. سازمان‌های غیرانتفاعی به صورت مردم‌نهاد راه‌اندازی می‌شود و خیریه‌ها در این بخش قرار می‌گیرند (Anheier, 2005: 3-18).

نقش دولت در رابطه با بخش غیردولتی

نوع روابط بین دولت و بخش غیردولتی باعث ایجاد نقش‌های جدیدی برای آن شده است. چهار جهت‌گیری جدید دولت در ارتباط با اقدامات آن برای ارسال خدمات عمومی شامل زیر است (Anheier, 2005: 294):

- **دولت قانون‌مدار (مؤسس)^۱:** تصمیم‌گیری درباره اولویت‌های کالاهای عمومی از طریق فرایندهای اداری و قانونی برای انجام برنامه‌های خاص انجام می‌شود. در این شرایط، بخش غیرانتفاعی بازیگران موازی هستند که کار دولت را تکمیل کرده یا با آن قرارداد می‌بندند.
- **دولت تعاونی^۲:** در این حالت دولت سیاست‌های کالاهای عمومی را در تعامل با منافع خصوصی سازمان‌یافته و آرایش‌های قراردادی اجرا می‌کند. این شکل رابطه نزدیک به فضای مدیریت دولتی نوین است و تکمیل‌کننده سناریوی مشارکت عمومی - خصوصی است و بخش غیرانتفاعی بخشی از این مشارکت است.
- **دولت ضامن^۳:** این جهت‌گیری نیز نزدیک به مدیریت دولتی نوین است که قسمتی از کار به عهده دولت و قسمتی به عهده بازیگران خصوصی است؛ اما با سرپرستی دولت و تأمین مالی اولیه آن. بخش غیرانتفاعی نیز بخشی از کار را به عهده دارد. هر چند بحث تأمین مالی کمتر اعلان شده است و آن‌ها می‌توانند مکانیزم دیگری را اجرا کنند.
- **دولت فعال^۴:** به این صورت که مشارکت‌ها را برای منافع عمومی به عنوان یک وظیفه جامعه مدنی حفظ می‌کند و به عنوان بخشی از خودسازمان‌دهنده، غیرمتمرکز و بسیار مرتبط با جامعه مدرن است. مشارکت مستقیم دولت بسیار کم است. بخش غیرانتفاعی و بازیگران خصوصی تلاش می‌کنند تا منابع مالی و سایر منابع به کالاها و خدمات عمومی مصرف شود.

در یک دسته‌بندی کلی، میزان دخالت دولت و بخش غیردولتی در موضوعات مختلف عرصه اداره کشور می‌توان طیفی در نظر گرفت که یک سر آن نهایت تصدی‌گری دولتی و عدم اجازه ورود به سایر بخش‌ها در اداره امور است و سر دیگر طیف واگذاری کامل به مردم بدون هیچ‌گونه مداخله دولت در آن موضوعات است. نقطه مطلوب و یا بهینه در تنظیم رابطه بین بخش دولتی و غیردولتی بین دو سر حد قرار می‌گیرد. اما بسته به این که موضوع مورد مطالعه چیست

1- Constitutional state

2- Cooperative state

3- Guarantor state

4- Active state

و نیز اقتضائات و ساختار سیاسی - قانونی جامعه مورد مطالعه و نیز شرایط فرهنگی - اجتماعی آن چگونه است، مدل‌های مختلفی بدست خواهد آمد. به طور کلی چهار مدل در خصوص ارتباط بین دو بخش دولتی و غیردولتی در نظر گرفته شده است (Anheier, 2005: 285):

- ۱- همکاری^۱: در شرایطی که اهداف و ابزارهای این دو بخش هم راستا باشد، امکان همکاری برقرار است.
- ۲- مکمل^۲: در صورتی که اهداف هم جهت باشد اما ابزارها متفاوت باشد، امکان مکملیت در کارهای این دو بخش هست.
- ۳- انتخابی^۳: در صورتی که اهداف متفاوت باشد اما ابزارها مشترک، نوعی همکاری انتخابی شکل می‌دهد. این همکاری دولت از طریق ارتباط با سازمان‌های مردم‌نهادی است که اهداف خاصی را پیگیری می‌کنند.
- ۴- در تضاد^۴: در صورتی است که اهداف و ابزارهای این دو بخش در تضاد بایکدیگر باشد. در چنین شرایطی گروه‌های غیردولتی فشارهایی را در خصوص برخی فعالیت‌های دولت به آن وارد می‌سازند.

نقش سازمان‌های غیردولتی در فقرزدایی

خیریه‌ها به عنوان نهادهای مردمی اثرات و کارکردهای زیادی در جامعه انسانی به همراه داشته‌اند. توانمندسازی، کارآفرینی و دستگیری از محرومین جامعه از جمله کارکردهای این سازمان در حوزه فقرزدایی است. اگر چه این نهادها کارکردهایی فراتر از این موضوع حتی برای افراد داوطلب همچون احساس تعلق اجتماعی، ایجاد آرامش، تجربه کار جمعی و ... به همراه خواهد داشت. بیشتر کشورهای منطقه اسکاپ در رابطه با دامنه و شیوع فقر تا اوایل دهه ۷۰ میلادی اشتراک‌های بسیاری داشتند. در طول سه دهه گذشته و پس از آن چندین کشور آسیای جنوب شرقی توانستند میزان قابل ملاحظه‌ای از فقر درآمدی را کاهش دهند و به دنبال آن تفاوت معناداری با سایر کشورهای منطقه در زمینه میزان و شیوع فقر پیدا کنند. دولت‌ها همچنین به این امر واقف شدند که سعی و تلاش در همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد محلی، اثربخشی برنامه‌ها را در بخش‌های گوناگون فرآیند توسعه افزایش می‌دهد. دولت برخلاف شبکه پهناور و گسترده‌ای که دارد می‌تواند به طور فیزیکی و اجتماعی از فقرا فاصله داشته باشد. بنابراین سازمان‌های مردم‌نهاد زمینه‌هایی را که می‌توانند نقش مهم و واسطه‌ای برای ارائه خدمات به

1- Cooperative
2- Complementary
3- Co-optive
4- Confrontational

فقرا داشته باشند، ترویج می‌کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد کارآیی، اثربخشی و انعطاف‌پذیری را در اجرای برنامه‌ها در سطح اجتماعات محلی اثبات کرده‌اند (دهستانی اسفندآبادی، ۱۳۸۶: ۱۸). در بسیاری از کشورها از جمله آمریکا، بخش غیرانتفاعی در تأمین مالی به نحو معناداری وابسته به دولت است. این میزان در آمریکا ۳۶ درصد، در انگلیس ۴۷ درصد، در استرالیا ۳۱ درصد، در فرانسه ۵۸ درصد، در آلمان ۶۴ درصد است. تنظیم رابطه بین دولت و بخش غیرانتفاعی حالت‌های مختلفی را به خود دیده است. اهمیت بخش غیردولتی هم از باب رابطه آن با دولت و هم از بعد خدماتی که به جامعه ارائه می‌دهد بسیار حائز اهمیت است. ضعف روابط بین دولت و این بخش باعث شده که به سمت الگوی تأمین مالی کاملاً مستقل حرکت کنند. در آمریکا انجمن‌های غیرانتفاعی برای انجام اقدامات جمعی بر دولت سبقت گرفته‌اند. در طول تاریخ آمریکا نقش‌های فراوانی برای رسیدگی به نیازهای عمومی در خارج از دولت و حتی بخش خصوصی توسط بخش غیرانتفاعی انجام شده است. حتی سازمان‌های غیرانتفاعی با مشارکت مردم مکمل بخش دولتی بوده است (Smith & Lipsky, 1993). وابستگی متقابل بین بخش خصوصی و عمومی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شروع گسترده‌ای داشت. سازمان‌های غیرانتفاعی اغلب هزینه‌های خدمات اجتماعی فدرال را در سال ۱۹۸۹ دریافت کردند (Lipsky & Smith, 1990). به عبارت دیگر بخش دولتی به عنوان عامل انسان‌دوستانه برای ارائه خدمات بخش غیرانتفاعی درآمد آن را بالا برده و وابستگی آن را به بخش خصوصی خیریه‌ای کاهش داده است (Salamon, 1999: 168). حمایت دولت حدود ۳۶٪ درآمد بخش غیرانتفاعی را شامل می‌شود. در حال حاضر اتکای بسیار از سازمان‌های غیرانتفاعی تازه ایجاد شده به درآمد دولت است. الگوی مشارکت بین بخش عمومی و خصوصی به مرور در حال تغییر است. در این مسیر نیازمند بازآفرینی دولت و انعطاف و بازطراحی ساختارهای آن هستیم.

تنظیم‌گری

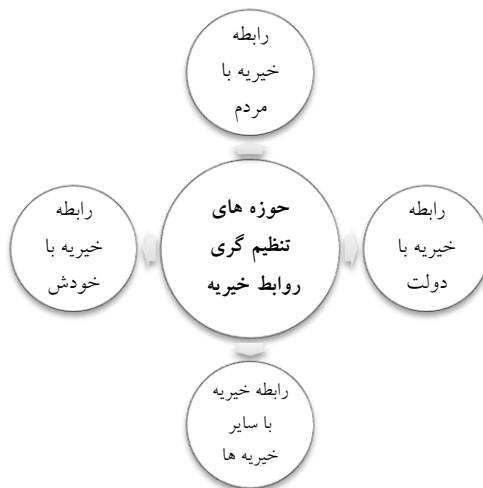
در شرایط موجود سازمان‌های غیرانتفاعی در پاسخ به فشارهای بیرونی، میزانی از همکاری و تعامل با بخش دولتی و انتفاعی را نیاز دارد. تأمین مالی دولت برای این بخش هنوز حائز اهمیت و تسهیل‌گر برای تعامل بین بخش انتفاعی و غیرانتفاعی است. بخش غیرانتفاعی متوجه شده است که برای رقابت بلند مدت و تأمین مالی پایدار باید با بخش انتفاعی همکاری بکنند. کمک و حمایت مالی دولت از بخش غیرانتفاعی، اهرمی است که باعث ایجاد تنوعی از تعامل و همکاری بین بخشی برای خدمت‌رسانی است. این همکاری و خدمت‌رسانی زمینه جذب مالی از بخش خصوصی و انتفاعی را فراهم می‌کند. به عنوان مثال در دهه ۱۹۹۰ شرکت YWCA برای برنامه‌های رفاهی خود با کاهش ۴۰ درصدی بودجه مواجه شد. برای عبور از این مشکل مشارکت

با دو شرکت برای سرمایه‌گذاری را طراحی کرد (Ryan, 1999). از سوی دیگر دولت نمی‌تواند نسبت به مسائل عمومی کشور، کاملاً منزوی شده و کنار برود. اطمینان از رفتار درست بخش غیرانتفاعی در تحقق اهداف مطلوب جامعه و برقراری نظم از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت در مواجهه با بخش غیرانتفاعی محسوب می‌شود. از جهت دولت‌ها از ابزارهای خود در تنظیم‌گری روابط با بخش غیرانتفاعی بهره می‌گیرند.

از دهه ۱۹۷۰ با معرفی تئوری اقتصادی تنظیم‌گری^۱ و رشد مصرف‌کننده، ریسک و فعالیت‌های تنظیم‌گری محیطی، این حوزه به یک حوزه بین رشته‌ای شامل پژوهش و اقدام تبدیل شد که به خصوص در طی دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بسط یافت. هنوز این سؤال که مفهوم اصلی این رشته یعنی تنظیم^۲ چه معنایی می‌دهد، هنوز بر روی میز است (Koop & Martin, 2015). از تنظیم‌گری تعاریف مختلفی با محوریت مفهومی مختلفی ارائه شده است. از جمله آن‌ها می‌توان به مجموعه‌ای از دستورات، نفوذ تعمدی دولت، همه اشکال تأثیر اجتماعی یا اقتصادی و ... اشاره کرد (Baldwin, 2012: 2-3). بالدوین و همکاران مطرح کرده‌اند که سه مفهوم کلیدی وجود دارد: ۱. تنظیم به مثابه اعلام مجموعه‌ای معتبر از قوانین که با مکانیسم‌های به منظور نظارت و ترویج رعایت این قوانین همراه است. ۲. تنظیم به مثابه همه تلاش‌هایی که سازمان‌های دولتی برای هدایت اقتصاد انجام می‌دهند و ۳. تنظیم به مثابه همه مکانیسم‌ها برای کنترل اجتماعی که شامل فرایندهای ناخواسته و غیردولتی است (Koop & Martin, 2015). سلزنیک تنظیم‌گری را به مثابه کنترل پایدار و متمرکز که توسط یک سازمان عمومی بر روی فعالیت‌هایی که توسط اجتماع دارای ارزش شده اجرا می‌شود معنا کرده است (Selznick, 1985: 363). به نظر می‌رسد در موضوع خیریه‌ها، حداقل در چهار حوزه اصلی باید اقدام به طراحی نظام حکمرانی با استفاده از ابزارهای آن نمود: روابط خیریه‌ها با مردم، روابط خیریه‌ها با دولت، روابط خیریه‌ها با خودشان و رابطه خیریه با خودش (شکل ۱). این چهار حوزه باید توسط سازوکارهای حکمرانی در قالب‌های تنظیم‌گری، سیاستگذاری، تسهیل‌گری، هدایت و نظارت به سمت وضعیت مطلوب سوق داده شود.

1- Economic theory of regulation

2- Regulation



شکل ۲- حوزه‌های اصلی تنظیم‌گری در امور خیریه.

به عبارت دیگر طراحی نظام حکمرانی مطلوب و مشخص کردن جایگاه و نقش هر یک از سازمان‌های دولتی ذی‌ربط و نیز سازمان‌های خیریه و تشکل‌ها و مجمع‌های مربوط به امور خیر می‌تواند سازوکار مناسب برای تنظیم رابطه بخش دولتی و غیردولتی در چهار حوزه مذکور را فراهم آورد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر در دو مرحله انجام شده است. در مرحله نخست با ۱۵ از مدیران خیریه‌های غیردولتی و ۶ نفر مدیران و مشاوران کمیته امداد امام خمینی (ره) و ۲ نفر از اساتید هیئت علمی صاحب‌نظر در حوزه سازمان‌های غیرانتفاعی و خیریه، مصاحبه‌هایی برای شناخت آسیب‌ها و نکات مهم در طراحی چارچوب حکمرانی مطلوب در خصوص رابطه بین بخش دولتی و بخش غیردولتی در موضوع خیریه‌ها انجام شد. این مصاحبه با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون کدگذاری و آسیب‌ها دسته‌بندی شدند. از این تعداد، ۲ نفر زن و ۲۱ نفر مرد، ۳ نفر دارای مدرک دکتری، ۵ نفر کارشناسی ارشد و مابقی کارشناسی و پایین‌تر دارند. این مصاحبه با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون کدگذاری و آسیب‌ها دسته‌بندی شدند. تحلیل مضمون، فرایندی برای تحلیل اطلاعات کیفی است، بنابراین این روش، صرفاً یک روش کیفی همانند دیگر روش‌ها نیست بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی، اگر نه در همه آن‌ها، به کار رود. همچنین تحلیل مضمون، اگر این امر مطلوب محقق باشد، امکان تبدیل اطلاعات کیفی به کمی را نیز فراهم می‌نماید (Boyatzis, 1998:4). تحلیل مضمون روشی

برای تعریف، تحلیل و گزارش دهی الگوهایی (مضامین) درون داده‌ها است. در کمترین کاربرد، این روش مجموعه داده‌های شما را به شکل جزئی و دقیق سازماندهی و توصیف می‌نماید. اما، این روش به طور متناوب کاری فراتر از این سازماندهی و توصیف انجام داده و جنبه‌های مختلف عناوین پژوهشی را مورد تفسیر قرار می‌دهد (Braun & Clarke, 2006:79). به طور کلی تحلیل هر متن شامل چند فعالیت است: کشف مقولات (مضمون‌ها) و زیر مقولات؛ غربال کردن مجموعه مقولات به تعداد کمتر که قابل مدیریت باشند؛ ساخت سلسله مراتبی از کدها و مقولات؛ اتصال برقرار کردن بین کدها از طریق طراحی یک مدل تئوریک (Ryan & Bernard, 2003:85). به طور خلاصه تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود. به طور کلی تحلیل مضمون، روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (عابدی و دیگران، ۱۳۹۰:۱۵۳). در این پژوهش جایگاه مضمون در میان شبکه مضامین تبیین شده و از سه دسته مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه استفاده خواهد شد. خروجی تحلیل مضمون مصاحبه‌ها، دسته‌بندی مهم‌ترین آسیب‌ها در نظام حکمرانی خیریه‌ها است. در مرحله دوم پژوهش، این آسیب‌ها به وسیله تکنیک AHP گروهی رتبه‌بندی شدند. ۱۵ پرسشنامه برای اساتید صاحب‌نظر دانشگاهی و مدیران موسسات خیریه ارسال شد که هفت پرسشنامه بازگشت داده شد. مقایسات زوجی بر اساس طیف ۹ تایی و با ارزش‌گذاری نشان داده شده در جدول زیر انجام شد.

جدول ۱- مقیاس استفاده شده در مقایسات زوجی

ارزش ترجیحی	۱	۳	۵	۷	۹	۲،۴،۶،۸
وضعیت مقایسه i نسبت به j	اهمیت برابر	مهم‌تر	مهم‌تر	خیلی مهم‌تر	کاملاً مهم	ارزش‌های میانی بین ارزش‌های ترجیحی نشان داده شده

برای افرادی که از تجربه بیشتری در این موضوع برخوردار بودند، با استفاده از میانگین هندسی وزن‌دار (رابطه زیر) وزن بیشتری اختصاص یافت (مومنی، ۱۳۹۱) و با استفاده از فرمول زیر میانگین پاسخ‌ها بدست آمد.

$$x'_{ij} = \left[\prod_{l=1}^k x_{ijl}^{w_l} \right]^{1/\sum l}$$

در نهایت این که تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار super decision انجام شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

جدول زیر، الگوی نهایی بدست آمده از تحلیل مضمون مصاحبه‌ها را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشخص است ۳۱ آسیب شناسایی شده در قالب مضامین پایه سازماندهی شدند که با دسته‌بندی مضامین مشترک، ۹ آسیب کلان در قالب مضامین سازمان دهنده نمایان شدند. در نهایت در مضمون فراگیر، آسیب‌های خیریه‌ها برای نظام حکمرانی مطلوب قرار گرفته است.

جدول ۲- نتایج تحلیل مضمون در شناسایی آسیب‌ها

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	
آسیب‌ها و مشکلات خیریه‌ها در طراحی نظام حکمرانی (برای تنظیم رابطه بخش دولتی و غیردولتی)	آسیب‌های اقتصادی خیریه‌های غیردولتی	فرار مالیاتی بنگاه‌های تجاری	
		استفاده شخصی و خارج از ضابطه از منابع مالی	
		مشخص نبودن چهارچوب فعالیت اقتصادی مجاز در خیریه‌ها	
	آسیب‌های امنیتی- سیاسی خیریه‌های غیردولتی	عدم مصرف بهینه منابع مالی	
		ایجاد مشکلات امنیتی مانند آنچه که برخی سمن‌ها در براندازی حکومت‌ها دنبال می‌کنند.	
		ارتباط‌گیری با مرزهای خارج از کشور و تبادلات مالی بدون اطلاع دستگاه‌های نظارتی	
	آسیب‌های فرهنگی خیریه‌های غیردولتی	موضوع فمینیست و آسیب‌های آن که از طریق خیریه‌ها تقویت می‌شود. فاصله گرفتن امر خیر از ماهیت دینی آن به واسطه الگوگیری برخی خیریه‌ها از مدل- های نامناسب غربی	عدم اطلاع دقیق از تعداد خیریه‌ها و حوزه فعالیت
			عدم نیازسنجی دقیق از خلائای موجود (در موضوعات و در مناطق مختلف کشور)
	فقدان یا ضعف در پایگاه داده در حوزه امور خیریه	عدم اتصال خیریه‌ها به پایگاه‌های اطلاعاتی برای صحت سنجی ادعای متقاضیان کمک عدم اتصال خیریه‌ها به یکدیگر برای ثبت خدمات ارائه شده به متقاضیان برای جلوگیری از سوء استفاده	تکثر مراجع اعطای مجوز
			عدم تناسب برخی از مراجع اعطای مجوز با موضوع امر خیر
غالب بودن نگاه امنیتی در اعطای مجوز به خیریه‌ها			
عدم بررسی صلاحیت‌های تخصصی در اعطای مجوز			
مشکلات مربوط به اعطای مجوز به خیریه‌ها و تمدید آن	عدم اعطای مجوز در بازه زمانی	عدم تعامل و ارتباط میان خیریه‌های غیردولتی	
		عدم نظارت موثر بر خیریه‌ها در ابعاد مختلف (اقتصادی، فرهنگی و ...)	
		عدم رتبه‌بندی و انتشار شفاف وضعیت خیریه‌ها در حوزه‌های عملکردی خود برای مردم	
مسائل مربوط به نظارت و ارزیابی خیریه‌ها			

عدم سلب مجوز خیریه‌هایی که امتیاز لازم را در ارزیابی عملکرد بدست نیاورند.		
عدم وجود الگوی مطلوب تبلیغ دینی امر خیر	مسائل مربوط به ترویج انفاق با مختصات دینی	
عدم وجود متولی و مراکز تخصصی تبلیغ امر خیر		
عدم نگاه به انفاق به عنوان یک برنامه تربیتی، نه صرفاً یک پرداخت مالی		
لزوم افزایش دغدغه‌مندی و کاهش بی‌تفاوتی مردم نسبت به موضوع فقر		
ناکارآمدی نهادهای دولتی مثل کمیته امداد، سازمان بهزیستی و ... در رفع محرومیت	تصدی‌گری دولتی در امر رفع محرومیت	
عدم شفافیت لازم در کمیته امداد و اتکا به بودجه دولتی		
عدم تخصص‌گرایی کافی در کمیته امداد		
لزوم کاهش تصدی‌گری دولتی و افزایش جلب مشارکت‌های مردمی در مدیریت امور خیر		
عدم وجود دوره‌های توان‌افزایی برای خیریه‌ها در موضوعات مختلف	عدم وجود رویکرد دانش‌بنیان به موضوع امر خیر در کشور	
عدم مدیریت دانش و الگوگیری از تجربیات موفق داخلی		
عدم وجود استانداردهای سازشی در حوزه‌های مختلف (نظیر تشخیص صلاحیت نیازمندان، میزان حمایت از نیازمندان و ...)		

در جدول زیر نتایج مربوط به رتبه‌بندی ۹ آسیب اصلی (مضامین سازمان دهنده) به همراه اوزان آن‌ها آمده است. همان‌طور که مشخص است موضوع ارزیابی و نظارت بر خیریه‌های غیردولتی و نیز تصدی‌گری دولت در موضوع رفع محرومیت به عنوان مهم‌ترین موضوعات شناخته شده است. نکته قابل توجه در این رتبه‌بندی، اختصاص یافتن آسیب‌های امنیتی به عنوان کم‌اثرترین و کم‌ارزش‌ترین موضوع در حوزه آسیب‌هاست.

جدول ۳- وزن مربوط به مقایسات زوجی آسیب‌های کلان

رتبه	آسیب‌های کلان مربوط به خیریه‌ها	وزن
۱	مسائل مربوط به نظارت و ارزیابی خیریه‌ها	۰,۱۰۷۰۶۷
۲	تصدی‌گری دولتی در امر رفع محرومیت	۰,۰۹۹۱۴۴
۳	فقدان یا ضعف در پایگاه‌های داده در حوزه امر خیر	۰,۰۶۸۴۴۷
۴	مسائل مربوط به ترویج انفاق با مختصات دینی	۰,۰۶۴۷۰۴
۵	مشکلات مربوط به اعطای مجوز به خیریه‌ها و تمدید آن	۰,۰۴۶۹۰۶
۶	عدم وجود رویکرد دانش‌بنیان به موضوع امر خیر در کشور	۰,۰۳۸۲۸۹
۷	آسیب‌های فرهنگی خیریه‌های غیردولتی	۰,۰۳۶۲۴۱
۸	آسیب‌های اقتصادی خیریه‌های غیردولتی	۰,۰۲۰۸۳۷
۹	آسیب‌های امنیتی - سیاسی خیریه‌های غیردولتی	۰,۰۱۸۳۳۴

برای این که نگاه دقیق‌تری در طراحی نظام حکمرانی داشته باشیم، لازم است آسیب‌ها به صورت جزئی‌تر مورد بررسی قرار گیرند. در جدول زیر ۳۱ آسیب شناسایی شده به تفکیک رتبه

کلی آن‌ها از میان کل ۳۱ آسیب و نیز رتبه آن‌ها در ذیل آسیب کلان خود آمده است. علاوه بر این ضریب ناسازگاری مربوط به مقایسات زوجی در ذیل هر آسیب کلان ذکر شده است.

جدول ۴- رتبه‌بندی نهایی آسیب‌ها در امور خیریه

رتبه کلیدی	رتبه زیربند	نام	وزن
رتبه: ۱		مسائل مربوط به نظارت و ارزیابی خیریه‌ها (ضریب ناسازگاری: ۰,۳۸۲۲)	
۱	۱	عدم نظارت موثر بر خیریه‌ها در ابعاد مختلف (اقتصادی، فرهنگی و ...)	۰,۰۵۷۱۴۵
۲	۴	عدم رتبه‌بندی و انتشار شفاف وضعیت خیریه‌ها در حوزه‌های عملکردی خود برای مردم	۰,۰۲۹۵۴۸
۳	۶	عدم سلب مجوز خیریه‌هایی که امتیاز لازم را در ارزیابی عملکرد بدست نیاورند.	۰,۰۲۰۳۷۴
رتبه: ۲		تصدی‌گری دولتی در امر رفع محرومیت (ضریب ناسازگاری: ۰,۰۵۵۸۵)	
۱	۲	لزوم کاهش تصدی‌گری دولتی و افزایش جلب مشارکت‌های مردمی در مدیریت امور خیر	۰,۰۴۶۳۰۶
۲	۵	ناکارآمدی نهادهای دولتی مثل کمیته امداد، سازمان بهزیستی و ... در رفع محرومیت	۰,۰۲۱۰۴۱
۳	۹	عدم شفافیت لازم در کمیته امداد و اتکا به بودجه دولتی	۰,۰۱۸۷۵۸
۴	۱۷	عدم تخصص‌گرایی کافی در کمیته امداد	۰,۰۱۳۰۳۹
رتبه: ۳		فقدان یا ضعف در پایگاه‌های داده در حوزه امر خیر (ضریب ناسازگاری: ۰,۰۱۱۸۸)	
۱	۸	عدم اتصال خیریه‌ها به یکدیگر برای ثبت خدمات ارائه شده به متقاضیان برای جلوگیری از سوء استفاده	۰,۰۱۸۸۰۴
۲	۱۲	عدم نیازسنجی دقیق از خلال‌های موجود (در موضوعات و در مناطق مختلف کشور)	۰,۰۱۶۹۵۶
۳	۱۳	عدم اتصال خیریه‌ها به پایگاه‌های اطلاعاتی برای صحت‌سنجی ادعای متقاضیان کمک	۰,۰۱۶۴۶۸
۴	۱۴	عدم اطلاع دقیق از تعداد خیریه‌ها و حوزه فعالیت	۰,۰۱۶۲۲۱
رتبه: ۴		مسائل مربوط به ترویج اتفاق با مختصات دینی (ضریب ناسازگاری: ۰,۰۱۰۸۰)	
۱	۷	عدم نگاه به اتفاق به عنوان یک برنامه تربیتی، نه صرفاً یک پرداخت مالی	۰,۰۱۹۴۷۵
۲	۱۰	عدم وجود متولی و مراکز تخصصی تبلیغ امر خیر	۰,۰۱۷۹۲۶
۳	۱۱	عدم وجود الگوی مطلوب تبلیغ دینی امر خیر	۰,۰۱۷۶۳۴
۴	۲۱	لزوم افزایش دغدغه‌مندی و کاهش بی‌تفاوتی مردم نسبت به موضوع فقر	۰,۰۰۹۶۶۹
رتبه: ۵		مشکلات مربوط به اعطای مجوز به خیریه‌ها و تمدید آن (ضریب ناسازگاری: ۰,۰۳۲۸۵)	
۱	۲۰	عدم تناسب برخی از مراجع اعطای مجوز با موضوع امر خیر	۰,۰۱۰۱۱۶
۲	۲۴	غالب بودن نگاه امنیتی در اعطای مجوز به خیریه‌ها	۰,۰۰۸۹۸۳
۳	۲۶	عدم اعطای مجوز در بازه زمانی	۰,۰۰۶۹۹۵
۴	۲۸	تکثر مراجع اعطای مجوز	۰,۰۰۶۲۶۴

رتبه: ۶		عدم وجود رویکرد دانش بنیان به موضوع امر خیر در کشور (ضریب ناسازگاری: ۰,۰۰۱۶۹)	
۱	۱۹	عدم وجود دوره‌های توان افزایی برای خیریه‌ها در موضوعات مختلف	
۲	۱۵	عدم مدیریت دانش و الگوگیری از تجربیات موفق داخلی	
۳	۱۸	عدم وجود استانداردهای در حوزه‌های مختلف (نظیر تشخیص صلاحیت نیازمندان، میزان حمایت از نیازمندان و ...)	
رتبه: ۷		آسیب‌های فرهنگی خیریه‌های غیردولتی (ضریب ناسازگاری: ۰,۰۰۰۰۰)	
۱	۳	فاصله گرفتن امر خیر از ماهیت دینی آن به واسطه الگوگیری برخی خیریه‌ها از مدل‌های نامناسب غربی	
۲	۲۹	موضوع فمینیست و آسیب‌های آن که از طریق خیریه‌ها تقویت می‌شود.	
رتبه: ۸		آسیب‌های اقتصادی خیریه‌های غیردولتی (ضریب ناسازگاری: ۰,۰۲۳۶۱)	
۱	۲۵	عدم مصرف بهینه منابع مالی	
۲	۲۷	استفاده شخصی و خارج از ضابطه از منابع مالی	
۳	۳۰	مشخص نبودن چهارچوب فعالیت اقتصادی مجاز در خیریه‌ها	
۴	۳۱	فرار مالیاتی بنگاه‌های تجاری	
رتبه بعد: ۹		آسیب‌های امنیتی خیریه‌های غیردولتی (ضریب ناسازگاری: ۰,۰۰۰۰۰)	
۱	۲۲	ایجاد مشکلات امنیتی مانند آنچه که برخی سمن‌ها در براندازی حکومت‌ها دنبال می‌کنند.	
۲	۲۳	ارتباط گیری با مرزهای خارج از کشور و تبادلات مالی بدون اطلاع دستگاه‌های نظارتی	

همان‌طور که در جدول فوق مشخص است، از آنجایی که ضریب ناسازگاری محاسبه شده برای همه مقایسات کمتر از ۰,۱ بدست آمده است، لذا مقایسات زوجی به درستی انجام شده است.

بحث

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که از میان ۳۱ آسیب شناسایی شده برای تنظیم‌گری رابطه بین بخش دولتی و بخش غیردولتی در حوزه خیریه‌ها در قالب ۹ دسته کلی، مسائل مربوط به نظارت و ارزیابی خیریه‌ها از منظر خبرگان مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل است. آسیب دوم ناظر به تصدی‌گری دولتی در حوزه خیریه‌هاست. با وجود آن که بزرگترین نهاد خیریه در کشور کمیته امداد امام خمینی است که یک نهاد دولتی است، اما سازوکارهای درست تنظیم‌گری جزء اقدامات بخش دولتی نبوده است و به همین دلیل است که در بخش غیردولتی استقرار نظام نظارت و ارزیابی به شدت احساس می‌شود. طبیعی است که برای تنظیم‌گری بخش دولتی، نیاز به پایگاه داده منسجم و کارآمد است که فقدان آن به عنوان آسیب کلان سوم از نظر خبرگان معرفی شده است. از دیگر موضوعات مهم و جالب توجه، اصلاح الگوهای تبلیغات و ترغیبی برای دعوت

به امور خیریه است. مشکلات مربوط به اعطای مجوز خیریه‌ها و تمدید آن‌ها آسیب دیگری است که در رتبه پنجم قرار گرفته است. عدم تناسب برخی از مراجع اعطای مجوز با موضوع امر خیر، غالب بودن نگاه امنیتی در اعطای مجوز به خیریه‌ها، عدم اعطای مجوز در بازه زمانی و تکثر مراجع اعطای مجوز از مسائلی است که در این بخش وجود دارد. در واقع یکی از نقاط موثر برای تنظیم‌گری به منظور مردمی‌سازی خیریه و کاهش تصدی‌گری دولتی، بحث اصلاح نظام اعطای مجوز به خیریه‌هاست. آسیب بعدی ناظر به رویکرد اداره خیریه‌هاست. خیریه‌های کشور نگاه دانش بنیان برای حل مسائل خود ندارند. به این معنی که دوره‌های توان افزایی برای خیریه‌ها در موضوعات مختلف وجود ندارد و مدیریت دانش و الگوگیری از تجربیات موفق داخلی به ندرت اتفاق می‌افتد. همچنین فقدان استانداردهای در حوزه‌های مختلف (نظیر تشخیص صلاحیت نیازمندان، میزان حمایت از نیازمندان و ...) از دیگر موضوعاتی است که پاسخ آن در ایجاد نگاه دانش بنیان در خیریه‌هاست. آسیب‌های فرهنگی خیریه در رتبه هفتم و آسیب‌های اقتصادی خیریه‌ها در هشتم قرار گرفته‌اند. عدم مصرف بهینه منابع مالی، استفاده شخصی و خارج از ضابطه از منابع مالی، مشخص نبودن چهارچوب فعالیت اقتصادی مجاز در خیریه‌ها و فرار مالیاتی بنگاه‌های تجاری از جمله نگرانی‌ها در حوزه آسیب‌های اقتصادی است که در صورت طراحی نظام تنظیم‌گری می‌توان آن‌ها را به حداقل ممکن رساند. در نهایت این که آخرین آسیب ناظر به مسائل امنیتی است که از منظر خبرگان کم‌ترین اهمیت و وزن را داراست.

توصیه‌های سیاستی

یکی از نکات مهمی که در طراحی الگوی حکمرانی در موضوع خیریه‌ها باید به آن توجه داشت، کاهش و حذف تدریجی تصدی‌گری دولت در امر رفع محرومیت است. به تدریج در کنار حذف این تصدی‌گری، چهارچوب نظارتی و ارزیابی خیریه‌های غیردولتی باید به گونه‌ای باشد تا از اثربخشی و کارآمدی و صحت و سلامت این نهادها اطمینان کافی برای مردم به وجود آید. این دو موضوع به عنوان مهم‌ترین آسیب‌های کلان شناسایی شدند. امروزه دستگاه‌های سنگین و ثقیلی چون کمیته امداد نمی‌توانند همه بار امداد رسانی به محرومین را به دوش بکشند. به نظر می‌رسد چنین نهاد دولتی باید در جایگاه تسهیل‌گری، تنظیم‌گری و سیاستگذاری در کنار سایر نهادهای ذی ربط به ایفای نقش بپردازد تا این که خود بخواهد در فرایندهای عملیاتی و اجرای ورود پیدا کند. از سوی دیگر بحث شفافیت در خیریه‌های مردمی و غیردولتی و نظارت دقیق بر عملکرد ایشان به عنوان موضوع مهم در طراحی الگوی حکمرانی مورد توجه قرار گرفته است. آسیب کلان سوم، بحث فقدان یا ضعف در پایگاه داده در امور خیر است. در خصوص

اهمیت این موضوع همین نکته کفایت می‌کند که برآورد دقیق و درستی از تعداد خیریه‌های فعال در کشور به صورت یکپارچه وجود ندارد. از طرف دیگر نیازهای موجود به انواع خیریه‌ها در موضوعات تخصصی و در مناطق مختلف کشور انجام نشده است. خیریه‌های فعال در کشور با یکدیگر در ارتباط کامل و شبکه‌ای قرار ندارند و لذا این احتمال ممکن است که خدمات چندباره از طرف تعدادی از خیریه‌ها به یک فرد ارائه شود. موضوع مهم دیگری که در این خصوص باید به آن توجه داشت، اتصال خیریه‌ها به یک پایگاه داده‌های مختلف برای صحت سنجی اعتبار افرادی است که به خیریه‌ها مراجعه می‌کنند. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین مسائلی که حاکمیت می‌تواند به عنوان نقش تسهیل‌گر در آن ورود کند، طراحی شبکه‌های ارتباطی بین خیریه‌ها، طراحی مرکز جمع‌آوری داده در امور خیر و نیازسنجی و ... است. بر این اساس یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که در طراحی نظام مطلوب در حوزه خیریه‌ها باید مورد تأکید قرار گیرد، آمایش سرزمین از وضعیت انجام امور خیریه در کشور و نیز پراکندگی و عمق انواع محرومیت‌ها و نیازمندی‌ها در سراسر کشور است. موضوع مهم دیگری که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، نگاه به مقوله خیر به عنوان یک برنامه تربیتی و انسان‌سازی است. آنچه که در متون دینی (شامل آیات و روایات) مورد تأکید قرار گرفته است، ابعاد الهی انفاق است. از این جهت فعالیت‌های ترویجی و فرهنگ‌سازی برای دعوت مردم به انفاق و کمک‌های خیرخواهانه باید در چهارچوب آموزه‌های دینی و با نیت الهی انجام شود. عدم استخراج الگوی دینی تبلیغی در موضوع انفاق، باعث الگوگیری شتاب‌زده و بدون بررسی مبنایی از مدل‌های متعارف شده است که بدون شک این موضوع با فرهنگ بومی کشور سازگاری ندارد. در این موضوع حتی می‌توان از تشکیل انجمن‌های تخصصی حمایت کرد تا وظیفه مشخص آن‌ها ترویج انفاق با توجه به چهارچوب‌های دینی باشد. آسیب کلان پنجم، در خصوص فرایندهای اعطا یا لغو مجوز به خیریه‌هاست. هم‌اکنون در کشور نهادهایی چون وزارت کشور، نیروی انتظامی، سازمان ملی جوانان و سازمان بهزیستی برای تشکیل خیریه‌ها اقدام به اعطای مجوز می‌کنند. در صورتی که ربط و نسبت برخی از این سازمان‌ها با موضوع امر خیر از نظر مفهومی مشخص نیست. گذشته از این تسهیل در فرایندهای اعطای مجوز و شکستن نگاه‌های امنیتی صرف نسبت در بررسی صلاحیت‌ها و حرکت به سمت بررسی شایستگی‌های عمومی و تخصصی افراد درخواست‌کننده مجوز لازم و ضروری به نظر می‌رسد. نکته مهم دیگری که در این خصوص باید مورد توجه قرار گیرد، اعطای مجوزهای زماندار است. به این شکل که عملکرد خیریه‌ها به صورت سالانه مورد ارزیابی تخصصی قرار گرفته و اگر در مدت زمان مجاز برای فعالیت نتوانند حداقل امتیاز لازم را کسب کنند، سلب مجوز شده و به کار آن‌ها خاتمه داده می‌شود. خلا بعدی در حوزه امر خیر، فقدان رویکرد دانش‌بنیان و علمی در موضوعات امر خیر است. این حوزه از ضعف در مهارت‌ها و

قابلیت‌های تخصصی خیریه‌ها تا عدم الگوگیری از نمونه‌های موفق را شامل می‌شود. موضوع مهم دیگری که در این خصوص باید مورد توجه قرار گیرد، بحث تعیین استانداردهای لازم در موضوعات مختلف امر خیر است که لازم است با مشارکت خیریه‌های دولتی و غیردولتی این موضوع انجام شود. در نهایت کم‌اهمیت‌ترین موضوعات مربوط به آسیب‌های خیریه‌ها شامل آسیب‌های فرهنگی، اقتصادی و امنیتی است. اهمیت این رتبه‌بندی نشان می‌دهد که اگر چه یکی از موانع مهم و جدی بر سر راه گسترش فعالیت‌های مردمی و غیردولتی در خیریه‌ها، وجود نگاه امنیتی و مبتنی بر شک نسبت به ورود مردم است، اما در عمل سهم بسیار کمی از طرف نخبگان برای این موضوع دیده شده است. روشن است که از طریق تنظیم سیاست‌ها و نیز چهارچوب‌های نظارتی، می‌توان آسیب‌های احتمالی در موضوعات مختلف را کنترل و از رخداد آن پیشگیری به عمل آورد.

منابع

- ۱- حقیقی، محمد رضا (۱۳۸۸) «جایگاه و ماهیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی با تأکید بر نظام حقوقی ایران» مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۹، صص ۳۸۷ تا ۴۲۰.
- ۲- دهستانی اسفندآبادی، حسین (۱۳۸۶) «همکاری دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه» مجله برنامه، شماره ۲۱۸، صص ۱۸ تا ۲۱.
- ۳- زارعی، محمد حسین (۱۳۸۳) «حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران» مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، صص ۱۵۵ تا ۲۰۲.
- ۴- سامتی، مرتضی؛ رنجبر، همایون و محسنی، فضیلت (۱۳۹۰) «تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی، مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا» مجله پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۴، صص ۱۸۳ تا ۲۲۳.
- ۵- سعید، پدram (۱۳۸۱) «بخش چهارم: سازمان‌های غیردولتی: توفیق و ناکامی سازمان‌های غیردولتی در تکوین مردم‌سالاری» مجله مجلس و راهبرد، شماره ۳۶، صص ۳۲۹ تا ۳۴۰.
- ۶- عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰) «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی» دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۵، شماره ۲، صص ۱۵۱-۱۹۸.
- ۷- عبادی، صادق (۱۳۷۸) «بنیادها و مؤسسات خیریه غیروقفی در ایران (نقد و ارزیابی)» مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۲۷، صص ۲۴ تا ۳۳.
- ۸- علیزاده ثانی، محسن و الوانی، سید مهدی (۱۳۸۶) «تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران» مجله مطالعات مدیریت بهبود و تحول، شماره ۵۳، صص ۱ تا ۲۴.
- ۹- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه ق) الکافی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- ۱۰- مومنی، منصور (۱۳۹۱) مباحث نوین تحقیق در عملیات. چاپ چهارم، تهران: نشر مولف.
- ۱۱- ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۷) «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی» مجله مصباح، شماره ۷۶، صص ۱۰۷ تا ۱۲۸.
- 12- Anheier helmut k. (2005) nonprofit organizations theory management policy, Routledge.
- 13- Ayres-Williams, R. (1998) "Changing the face of nonprofits," Black Enterprise 28(10):pp 110-14.
- 14- Baldwin Robert, Martin Cave, Martin Lodge, (2012), Understanding Regulation: Theory, Strategy, and Practice, OUP Oxford, Business & Economics Accounting regulation for charities: international responses to IFRS adoption
- 15- Boyatzis, Richard E. (1998) Transforming qualitative information: Thematic analysis & code development. Thousand Oaks: Sage Publication.
- 16- Braun, Virginia, Clarke, Victoria, Using thematic analysis in Psychology, (2006), Qualitative Research in Psychology, Vol.3, No.2, pp77-101
- 17- Koop, Christel, and Martin Lodge (2015) "What is regulation? An interdisciplinary concept analysis." Regulation & Governance.

- 18- Lipsky, M. and Smith, S. R. (1990) "Nonprofit Organizations, Government, and the Welfare State," *Political Science Quarterly* 104(4): pp 625-48.
- 19- Ryan, Grey W. & Bernard, H. Russell, (2003) "Techniques to Identify Theme", *Field Method*, Vol. 15, No.1, pp85-109.
- 20- Ryan, W. P. (1999) "The New Landscape for Nonprofits," *Harvard Business Review* 77(1), pp127-36.
- 21- Salamon, L. M. and Anheier, H. K. (1995) *Partners in Public Service: Government-Nonprofit Relations in the Modern Welfare State*, Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press.
- 22- Salamon, L. M. and Anheier, H. K. (1999) "Civil Society in Comparative Perspective," in L. M. Salamon, H. K. Anheier, R. List, S. Toepler, and S. W. Sokolowski, and Associations (eds.) *Global Civil Society: Dimensions of the Nonprofit Sector*, Baltimore, MD: Johns Hopkins Center for Civil Society Studies.
- 23- Selznick P (1985) *Focusing Organizational Research on Regulation*. In: Noll R (Ed) *Regulatory Policy and the Social Sciences*, pp 363-367. University of California Press, Berkeley
- 24- Smith, S. R. and Lipsky, M. (1993) *Nonprofits for Hire: The Welfare State in the Age of Contracting*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- 25- Weisbrod, B. A. (1998) "The Nonprofit Mission and Its Financing: Growing Links between Nonprofits and the Rest of the Economy," in B. A. Weisbrod (ed.) *To Profit or Not to Profit: The Commercial Transformation of the Nonprofit Sector*, New York: Cambridge University Press.